

بازسازی خرابی‌های جنگ در رژیم، چه فرایندی دارد؟

بفرمایید آواربرداری!



سید علی زیدی

در مرقوم امروز پس از یک هفته غیبت دوباره به نام اقتصاد کاغذ جوهری کردیم تاکم و کیف مسئله ترمیم در رژیم را محضراتان شرح و بسط دهیم. حالا که آتش جنگ از آن خرویشش افتاده و مقداری فضای رسانه‌ای برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی باز شده و بچه‌های بالای رژیم کمی شیرفلکه سانسور را شل کرده و هلی‌شات‌ها به پرواز درآمده‌اند، روشن شده است که کلاهک‌های ایرانی به قصد تغییر کاربری برخی مناطق رژیم از مسکونی و تجاری و صنعتی به زراعی عازم سواحل مدیترانه شده بودند و حالا مسئله امروز ورق اقتصاد «وقایع اسرائیلیه» این است که چه کسی، چگونه و طی چه فرایندی قرار است به این خرابی‌ها سامان بدهد؟

در یک نگاه کلی چند مرحله را یک ساکن سرزمین‌های اشغالی برای ترمیم صدمات مالی جنگ طی می‌کند؛ اول یک ارزیابی کلی از منطقه تغییر کاربری داده شده و خساراتی که دیده توسط مقامات مسئول که عموماً از شهرداری و نهادهای محلی هستند انجام می‌شود. سپس تیم مهندسی ارتش جهت پاکسازی به منطقه می‌آید. ساکنان به مسکن موقت منتقل می‌شوند و زیرساخت‌های جایگزین معرفی می‌گردند و در نهایت پروسه بازسازی را شروع می‌کنند.

درمورد خسارات جنگ، عموماً نهادهای متولی مسئول ترمیم هستند که البته با تکیه بر بودجه دولتی ترمیم را پیش می‌برند. برای مثال درمورد سازه‌های فرهنگی و مناطق تاریخی شهرداری منطقه یا نهادهایی مانند Jerusalem Development Authority متولی بازسازی می‌شوند. یا در مورد خسارات دولتی، خود نهادهای خسارت دیده وظیفه پیشبرد پروژه ترمیم را برعهده دارند.

چند نهاد متولی مسئله بازسازی و ترمیم و جبران خسارت هستند. وزارت دارایی، وزارت مسکن، اداره مالیات، مقامات محلی و شهرداری‌ها و نهادهایی که به صورت مستقیم ناظر به این موضوع تأسیس شده‌اند، مثل مدیریت بازسازی شمال که مسئول منطقه شمالی سرزمین‌های اشغالی است و مدیریت و بازسازی تکوما که محل مأموریتش اطراف نوار غزه است. جالب است بدانید که صرفاً در فقره حمله هفتم اکتبر (که هیچ خبری از حملات موشکی پرحجم نبوده) تکوما در ۲۰۲۴ در جوامع مرزی غزه یک بودجه ۷ میلیارد شکلی (قریب ۲ میلیارد دلار) به زمین زده است. دقیقاً مانند همین وضعیت زمانی مسئله در بازسازی و جبران خسارت پیچیده می‌شود که پای مناطق مسکونی مضاف بر یک حمله موشکی تمام عیار به میان بیاید. فرد در ابتدا باید حجم خسارت را برای دولت ثبت کند که این بنا به حجم خسارت به دو شیوه آنلاین و حضوری انجام می‌شود. فرد با مراجعه به سایت اداره مالیات ابتدا عملیاتی که در طی آن دچار خسارت شده را مشخص می‌کند و سپس بنا بر عملیات از افزونه‌های سایت برای حل خسارتش استفاده می‌کند.

برای مثال یکی از این افزونه‌ها دستورالعمل خسارت دیدگان جنگ دوازده روزه اخیر است. ابتدا به امر پس از تعیین وضعیت مالک یا مستأجر بودن، تسهیلات به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) کوتاه مدت؛ در این بخش دو نوع کمک در نظر گرفته شده، یا ساکن به هتل یا محل اقامتی که

ما در حال حاضر با چالش بی‌سابقه‌ای در ارائه پاسخ به تقریباً ۴۵۰۰۰ ادعای خسارت مستقیم روبه‌رو هستیم که تقریباً ۳۵۰۰۰ مورد از آن‌ها مربوط به خسارت به سازه است

مسئولان محلی در نظر گرفتند منتقل می‌شود یا در صورت اسکان در خانه اقوام تا دو هفته یک کمک ۴۰۰۰ شکلی دریافت می‌کند و ضرب و تقسیم تعداد آوارگان و هتل و چهار هزار شکلهش هم با شما و ماشین حسابتان. اگر سر و ته قضیه بازسازی با چند هفته هم نیامد وارد مرحله بعدی یعنی ب) کمک‌های بلند مدت؛ می‌شود. در این بخش فرد می‌تواند برود به حساب دولت خانه اجاره کند و یا اینکه در صورت اسکان شخصی، به ازای هر فرد مجرد ۴۰۰۰ شکله، والدین و فرزند ۵۰۰۰ شکله و به ازای هر فرزند اضافی زیر ۱۸ سال ۵۰۰۰ شکله و هر فرزند بالای ۱۸ سال ۱۰۰۰ شکله به صورت ماهانه دریافت کند.

تصویر ۲ اقتصادی: ترجمه فرم اجاره یا خوداظهاری جهت اسکان موقت، ثبت شده برای جنگ دوازده روزه اخیر. با وجود سامانه آنلاین برای اعلام خسارت، با توجه به عمق عجیب خرابی‌ها، برای مناطق مسکونی، وزارت دارایی، مسکن و سازمان امور مالیاتی برای این جنگ دوازده روزه یک بیانیه مشترک درخصوص مسئله بازسازی مناطق مسکونی داده‌اند.

شای آهارونوویچ، مدیر سازمان امور مالیاتی در طی این بیانیه اعلام کرده: «ما در حال حاضر با چالش بی‌سابقه‌ای در ارائه پاسخ به تقریباً ۴۵۰۰۰ ادعای خسارت مستقیم روبه‌رو هستیم که تقریباً ۳۵۰۰۰ مورد از آن‌ها مربوط به خسارت به سازه است. یکی از بزرگترین چالش‌ها کمبود پیمانکاران بازسازی است و مسیر دولتی برای کمک به این امر طراحی شده است. ما تعداد زیادی از خسارات را دریافت می‌کنیم، آن‌ها را در یک مجموعه تجمیع می‌کنیم و یک شرکت ساختمانی بزرگ را برای رسیدگی به همه آن‌ها به طور همزمان به کار می‌گیریم. این امر همچنین به ما امکان می‌دهد تا شرکت‌هایی را در فرایند بازسازی دخیل کنیم که معمولاً خسارت‌های خاص به یک سازه واحد را مدیریت نمی‌کنند و همچنین شهروندان را از دردسرهای مواجهه با مقامات در مورد بازسازی و دریافت غرامت نجات می‌دهند.»

در واقع برای هر منطقه یک مجتمع بازسازی در نظر گرفته شده که فرد دچار خسارت، در این مجتمع پرونده تشکیل می‌دهد. مقامات محلی حجم خسارت را ارزیابی می‌کنند و سپس غرامت به حساب پیمانکار بازسازی واریز می‌شود و پیمانکار به نوبت وارد عمل می‌شود. نوشتن این فرایند زیر سی‌تاییه زمان گرفت اما تصور همین رقم ۳۵ هزار سازه و خلع پیمانکار ساخت و ساز کافی است تا روشن شود که یک ساکن سرزمین‌های اشغالی باید تا مدت‌ها در صف بنشیند تا نوبت مسکنش

برای ساخت و ساز پرسد و باتوجه به توضیحات چند سطر قبل، هر ماه در صف نشستن او برابری می‌کند با میلیون‌ها شیکل ناقابل که باید در قالب یارانه یا اجاره بها از سمت دولت پرداخت بشود.

البته قصه بازسازی به این سادگی‌ها هم نیست که بیاید ثبت خسارت کند و ارزیابی بشود و سپس واریز و تمام. آن قدر خود مسئله بازسازی و رانت‌های جاری آن مسئله شده است که حتی صدای رئیس انجمن پیمانکاران نوسازی را نیز درآورده. اران سیب می‌گوید دقیقاً موضوع مخالف رئیس اداره مالیات است و از بیخ منکر خلع پیمانکار می‌شود و اشکال را در جای دیگری می‌داند: «کمبود پیمانکاران بازسازی؟! من فهرستی از ۴۵۰۰ پیمانکار بازسازی را برای آهارونوویچ، مقامات دولتی و مقامات محلی فرستادم و حدس بزنید چه شد؟ من با پیمانکاران بررسی کردم و هیچ‌کس اصلاً با آن‌ها تماس نگرفت. کاری که دولت تصمیم گرفت انجام دهد این بود که پیمانکاران بزرگ را جذب کند و هرگونه امکان رقابت را از بین ببرد. نتیجه برای همه بد خواهد بود؛ برای صاحبان آپارتمان، دولت و پیمانکاران بازسازی. این فقط برای پیمانکاران بزرگ خوب خواهد بود که کوپن دریافت می‌کنند.»

سیب برای اثبات نظر خود، نظرسنجی‌ای را که بین اعضای انجمن توزیع کرده بود، ارائه می‌دهد که نشان می‌داد با بیش از نیمی از آن‌ها تماسی گرفته نشده است، در حالی که تنها ۱۰٪ بیش از پنج درخواست دریافت کرده‌اند. ۹۳٪ از آن‌ها پاسخ دادند که مایل به دریافت درخواست از عموم مردم هستند و ۹۵٪ اعلام کردند که کارکنانی در دسترس دارند. در مقابل این ادعاها مسئولان اداره مالیاتی کامکان بر مواضع خودشان پافشاری می‌کنند. یعنی در یک سو رئیس انجمن نوسازی مدعی است، رژیم با رانت پروژه‌های نوسازی را صرفاً بین چند شرکت بزرگ تقسیم کرده و حالا برای توجیه کندی فرایند بازسازی از فقدان پیمانکار گله می‌کند و در سمت مقابل مسئولان امور مالیاتی می‌گویند که خیر پیمانکار به قدر کافی وجود ندارد!

موشه روش مدیربخش خسارات مستقیم اداره مالیات در مورد این فقدان می‌گوید: «مشکل دقیقاً همین است. همانطور که گفتیم، قانون طلایی در مورد مالیات بر دارایی این است که «پول را بگیر و هر پیمانکاری را که می‌خواهی استخدام کن»، اما مردم گیر افتاده‌اند. هیچ پیمانکاری به سراغشان نیامده، نه پیمانکار شیشه‌کاری، نه پیمانکار آلومینیوم‌کاری و آن‌ها دو هفته است که منتظرند.»

تتمه کلام این است که مسئله بازسازی خسارات جنگ در رژیم کلاف به هم پیچیده‌ای است که مقوله تأمین بودجه با همه مضراتش من جمله خلق نقدینگی و تورم و... سطحی‌ترین گره آن است و برای درک پیچیدگی‌اش کافی است که این مرقوم امروز را در این سیر بررسی کنید که تمام این کلنجرها از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ گریبان رژیم را گرفته و حالا رژیم با انبوهی از پروژه‌های ناتمام بازسازی و پرداخت غرامت، اکنون به آغوش جنگ دوازده روزه و همین قصه تکراری مسئله بازسازی رفته است و باید دید واری تمام معادلات امنیتی و نظامی و صرفاً با در نظر گرفتن همین فقره بازسازی، رژیم تاب یک جنگ بلند مدت و فرسایشی را خواهد داشت یا نه؟